

اختلافات مذکور را از روی دستخط ابن سکون ضبط کرده‌اند (افندی، همانجا؛ نوری، ۴۸۳/۳). یک دستخط اجازه روایت صحیفه سجادیه نیز که ابن سکون برای شمس‌الدین محمد بن علی بن حسین عاملی - جد اعلای شیخ بهائی - نوشته، از او برجای مانده است (نک: متن اجازه با حذف مقدمه؛ صدر، تکملة، ۳۵۶-۳۵۷). مجلسی در مقدمه شرح صحیفه خود تصریح می‌کند که نسخه‌ای را که برای شرح انتخاب کرده است، نسخه شمس‌الدین محمد عاملی بوده و شمس‌الدین آن را با یک واسطه از روی صحیفه سجادیه به خط ابن سکون نوشته است (مجلسی: الفرائد، ۹؛ همو، بحار، ۱۰۷/۶۰). از اشعار ابن سکون نیز جمعا ۳۰ بیت در منابع موجود نقل شده است. از آن جمله ۲۵ بیت را ابن نجار از خریده نقل می‌کند و دو بیت از آنها نیز در مدح حضرت علی (ع) است که مؤلف اعیان الشیعة از کتاب الطلیعة فی شعراء الشیعة، تألیف شیخ محمد سماوی (خطی) نقل کرده است (ابن نجار، ۸۹/۴ - ۹۲؛ امین، ۳۱۴/۸).

از جزئیات احوال و شرح زندگانی ابن سکون به‌خصوص در سالهای آخر عمر، و پس از وفات صلاح‌الدین ایوبی هیچ اطلاعی نداریم. بعضی از معاصران از فحوای آنچه در شرح حال او آمده است چنین استنباط کرده‌اند که وی تمام عمر غریبانه و بی‌خانه و خانواده زیسته است (حمد کمال‌الدین، ۱۳۲/۱).

مأخذ: آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة، قرن ۷، به‌کوشش علی نقی منزوی، بیروت، ۱۹۷۲ م؛ ابن نجار، محمد بن محمود، ذیل تاریخ بغداد، به‌کوشش قیصر فرح، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۵ م؛ افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به‌کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، به‌کوشش حسن الامین، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ بغدادی، هدیه؛ حمد کمال‌الدین، هادی، فقهاء الفیحاء أو تطور الحركة الفکرية فی الحلة، بغداد، ۱۹۶۲ م؛ خاقانی، علی، شعراء الحلة أو البالیات، نجف، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۲ م؛ دجیلی، عبدالصاحب عمران، اعلام العرب فی العلوم والفنون، نجف، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م؛ شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، به‌کوشش محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفة؛ صدر، حسن، تأسیس الشیعة، به‌کوشش محمد باقر صدر، نجف، شرکه النشر والطباعة؛ همو، تکملة امل الآمل، به‌کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۶ ق؛ عبدالعزیز، دائرة المعارف الاسلامیة، تهران؛ قمی، عباس، الفوائد الرضویة، تهران، ۱۳۲۷ ش؛ کحاله، عمرضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۹۵۷ م؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ همو، الفرائد الطریفة فی شرح الصحیفه الشریفه، به‌کوشش مهدی رجائی، اصفهان، ۱۴۰۷ ق؛ نویختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، به‌کوشش هریتر، استانبول، ۱۹۳۱ م؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱ ق؛ یاقوت، ادبا.

ابن سکیت، ابویوسف یعقوب بن اسحاق (۱۸۶-۲۴۴ ق/ ۸۰۲-۸۵۸ م)، لغوی، نحوی، راوی ایرانی تبار شیعی. سکیت لقب پدرش اسحاق بود که به سبب افراط در سکوت بدان ملقب گردید (قفطی، ۲۲۰/۱). ابن سکیت در دورق، از شهرهای خوزستان، به دنیا آمد و سپس همراه خانواده‌اش راهی بغداد شد (صدر، ۱۵۵). برخی نیز ولادت او را با اظهار تردید در بغداد دانسته‌اند (EI²).

پدر وی نیز خود مردی عالم در نحو و به ویژه در لغت و شعر بود (ابن انباری، ۱۲۳) و از اصحاب کسانی به شمار می‌رفت (قفطی،

همانجا؛ فروخ، ۲۸۱/۲). او علاقه وافری به تحصیل فرزند خود داشت (قفطی، ۵۱/۴؛ خطیب بغدادی، ۲۷۳/۱۴) و شاید انگیزه مهاجرت او به بغداد نیز همین بوده باشد. ابن سکیت از مجلس درس استادانی چون ابو عمرو شیبانی، فراء، ابن اعرابی (ه م)، اثرم و نصران خراسانی که همه از مشاهیر علم و ادب آن روز بودند، بهره برد (قفطی، ۳۴۳/۳؛ ابن ندیم، ۷۱؛ ابوطیب، ۹۶) و مدتی را نیز به منظور آشنایی بیشتر با زبان فصیح و اصیل عربی به رسم آن روز در صحرا نزد بدویان گذراند (یافعی، ۱۴۷/۲؛ EI²) و چون به بغداد بازگشت، ضمن بهره گرفتن از محضر دانشمندان به تعلیم و تربیت کودکان پرداخت و از جمله چندی با پدر خود در محله درب القنطرة بغداد به این کار مشغول شد. سپس آموزش فرزندان بزرگان از جمله فرزندان محمد بن عبدالله بن ابی طاهر و متوکل خلیفه عباسی را برعهده گرفت (ابن انباری، ۱۲۳؛ ابن خلکان، ۳۹۸/۶). وی حتی آنگاه که به تدریس در رشته‌های گوناگون ادب مانند نحو، لغت، شعر، روایت و علوم قرآنی می‌پرداخت، باز از دانش‌اندوزی باز نایستاد (خطیب بغدادی، همانجا؛ یاقوت، ۵۰/۲۰؛ سیوطی، ۳۴۹/۲) و دیری نپایید که به جرگه دانشمندان عصر خود همچون ابن اعرابی و ابوالعباس ثعلب پیوست (ابوطیب، ۹۵؛ ازهری، ۲۳/۱) و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین لغت‌شناسان و سخن‌سنان شناخته شد (ابن انباری، ۱۲۲؛ ذهبی، ۱۹/۱۲). یاقوت (همانجا) او را پس از ابن اعرابی سرآمد همه لغویان خوانده و ابوطیب لغوی (ص ۹۵) علم کوفیان را منتهی به او دانسته و در کار تألیف از ثعلب برترش شمرده است و ابن تقری بردی (۳۱۸/۲) او را علامه خوانده است، اما با اینکه دانش وی در لغت این چنین مورد ستایش قرار گرفته، او خود را در علم نحو چیره دست‌تر می‌دانسته است (نک: ابن انباری، ۱۲۳). بنابراین، باید به برخی گزارشها درباره ضعف وی از جمله مناظره او با ابو عثمان مازنی در حضور عبدالملک بن زیات و یا به گفته‌ای (قفطی، ۲۵۰/۱) در حضور متوکل که به سبب عجز و ناتوانیش در برابر مازنی سرزنش شده است (نک: ابن سیده، ۴/۱؛ ذهبی، ۱۷/۱۲؛ یاقوت ۱۱۷/۷؛ ابن خلکان، ۳۹۷/۶)، به دیده تأمل نگریست، چه ممکن است این گزارشها ساختگی و زائیده اختلافات بین مکتبهای نحوی و فرقه‌های مذهبی آن زمان بوده باشد.

ابن سکیت علاوه بر فعالیت‌های چشمگیرش در نحو و لغت، در نهضت گردآوری و تدوین اشعار عرب که از نیمه دوم سده ۲ ق با رغبتی فزاینده آغاز شده و تا اواخر سده سوم با شور و شوق در شهرهای بصره و کوفه و بغداد ادامه یافته بود (بلاشر، ۱۷۷، ۱۷۸)، نقش بسیار مهمی برعهده داشت. او که شاگرد اصمعی و ابو عبیده معمر بن مثنی بود و از آن دو که از پیشگامان این نهضت بودند، روایت می‌کرد (ابن خلکان، ۳۹۵/۶)، در ادامه کار آنان به گردآوری دیوانها و آثار پراکنده بسیاری از شعرای کهن از جمله امرؤ القیس، زهیر بن ابی سلمی، نایفه ذیبانی، اغشی، عنترة بن شداد، طرفة بن عذره و عمرو بن کلثوم و بسیاری دیگر از شعرای اسلامی و اموی، که ذخایر گرانبهایی

۵۰'۰۰۰ درهم به او بخشید (ابن خلکان، ۳۹۹/۶). او به تدریج چنان مورد توجه خلیفه قرار گرفت که در شمار ندیمان وی درآمد (ابن زبیر، ۱۱۷).

به تأیید اکثر منابع علت قتل او اظهار محبت شدید نسبت به خاندان علی (ع) در برابر متوکل بود که پرسیده بود: «فرزندان من معزز و مؤید نزد تو عزیز ترند یا حسن و حسین فرزندان علی؟» او با اینکه تقیه می‌کرد (قمی، ۳۱۵/۱)، اختیار از کف داد و در پاسخ گفت: «قنبر خادم علی (ع) از تو و فرزندان تو برتر است». متوکل از این گفته چنان برآشفته شد که در دم دستور داد زبان وی را از قفا بیرون کشیدند (ابن خلکان، ۴۰۱/۶-۴۰۱/۷؛ سیوطی، ۳۴۹/۲؛ قس: زبیدی، ۲۰۲). اما برخی از منابع (ابن انباری، ۱۲۴؛ ازهری، ۲۳/۱) علت قتل او را سرپیچی از فرمان خلیفه دانسته‌اند که از او خواسته بود به مردی قرشی ناسزا گوید. بعید نیست که روایت قتل او اندکی به افسانه نیز آمیخته و علت واقعی همانا اختلافات مذهبی - سیاسی آن زمان، خاصه شیعه ستیزی متوکل بوده باشد. احتمالاً ماجرای قتل وی نقشه‌ای بوده که از پیش آن را تدارک دیده بوده‌اند. به خصوص که گویند بی‌درنگ ۱۰'۰۰۰ درهم دیه او را به خانواده‌اش (ازهری، ۲۳/۱) پرداختند و نیز اشاره شده است که همیشه گروهی در پی تحریک متوکل برضد او بودند (یغموری، ۳۲۰). در تاریخ مرگ او بین ۲۴۳ و ۲۴۶ ق اختلاف است (نک: خطیب بغدادی، ۲۷۴/۱۴؛ زبیدی، ۲۰۴؛ یغموری، همانجا).

آثار چاپی:

۱. اصلاح المنطق، کتابی است در لغت که از معروف‌ترین آثار اوست و تا دیرگاهی پس از وی توجه و ستایش علمای لغت را برانگیخته و مورد استناد آنان بوده است (نک: ابن خلکان، ۴۰۱/۶؛ ذهبی، ۱۹/۱۲؛ ابن جوزی، ۷۹/۱، ۱۶۶، ۲۰۱؛ بغدادی، ۵۵۲/۳، ۵۵۳). مؤلف در این کتاب بسیاری از واژه‌های عربی را به صورت صحیح آن ضبط کرده و آنها را از جنبه‌های صرفی، فصاحت و عدم فصاحت، نادر یا شاذ بودن و جز آنها مورد بررسی قرار داده است. این اثر از معتبرترین کتابهای لغت به شمار می‌رود و شرحها و تلخیصهای بسیاری که بر آن نوشته شده، دلیل این مدعاست. سزگین به تفصیل در مورد شرحها، تلخیصها و ردیه‌های آن بحث کرده است (GAS، 132-130/VIII). این اثر نخستین بار در قاهره (۱۳۶۸ ق/۱۹۴۹ م) به کوشش عبدالسلام محمد هارون و احمد محمد شاکر به چاپ رسیده و در ۱۹۵۶ م نیز در همانجا تجدید چاپ شده است.
۲. الاضداد. این اثر که به شرح معانی متضاد کلمات پرداخته است، در ۱۹۱۲ م به کوشش آگوست هافتر به همراه دوائر دیگر از اصمعی و سجستانی با عنوان ثلاثة کتب فی الاضداد در بیروت به چاپ رسیده و در ۱۹۸۰ م نیز در همانجا تجدید چاپ شده است.
۳. الالفاظ، کتابی است درباره‌ی واژه‌های مشابه در ۱۴۸ فصل. روش کار ابن سکیت در این اثر براساس تقسیم‌بندی موضوعی است.

برای ادبیات عرب محسوب می‌شد و بیم فراموشی و نابودی آنها می‌رفت، همت گماشت (نک: ابوطیب، ۹۶؛ سیرافی، ۶۰؛ ابن انباری، ۴۹؛ بهبهانی، ۳۷۴). وی افزون بر گردآوری این آثار به شرح و تفسیر برخی از آنها نیز پرداخت (برای دیوانهایی که گردآوری یا شرح کرده، نک: GAS، II/112, 117, 120...445؛ نجاشی، ۳۱۳). کمتر دیوانی است که او آن را روایت (شفاهی و یا کتبی) یا شرح و تفسیر نکرده باشد. او با حفظ این ذخایر گرانبها از خطر نابودی، خدمت ارزنده‌ای به ادبیات عرب کرد. و به جرأت می‌توان گفت که در مقایسه با همگنانش بیشترین سهم را در این کار داراست.

ابن سکیت که به سنت پیامبر و عقاید دینی خود بسیار پای‌بند بود، افزون بر گردآوری و تدوین اشعار به جمع و نقل روایات دینی نیز پرداخت. ذهبی او را بسیار دیندار و نیکوکار خوانده است (۱۶/۱۲) و برخی منابع دیگر اشاره کرده‌اند که وی حتی جان بر سر عشق به اهل بیت نهاد (نک: دنباله مقاله). نجاشی او را از نزدیکان و خاصان امام محمد تقی (ع) و امام علی النقی (ع) به‌شمار می‌آورد و به روایات او از امام محمد تقی (ع) اشاره می‌کند (صص ۳۱۲-۳۱۳؛ قس: علامه حلی، ۳۷۹/۱). علاوه بر این در برخی روایات، از ملاقات وی با امام علی بن موسی الرضا (ع) سخن رفته است، (نک: ابن بابویه، ۷۹/۲). او در نقل روایت مورد وثوق و اعتماد علمای رجال است (نک: ابوطیب، ۹۵؛ یغموری، ۳۱۹؛ قفطی، ۵۰/۴؛ مجلسی، ۱۶۹؛ خویی، ۱۲۹/۲۰).

شاگردان بسیاری از وی بهره برده‌اند که معروف‌ترینشان اینانند: ابوالبشر بندنجی (ابن شاکر، ۳۳۶/۴)، حرانی که به گفته خود او از ۲۲۵ ق تا هنگام مرگ ابن سکیت در محضر او بوده است (ازهری، ۲۳/۱؛ قفطی، ۱۱۵/۲)، ابوسعید سکری، ابوعکرمه ضبی و ابوحنیفه دینوری (ابن ندیم، ۷۸؛ ابن انباری، ۱۲۲). گروه بسیاری نیز از او روایت کرده‌اند از جمله: ابوالعباس ثعلب نحوی معروف، احمد بن فرج مقری، محمد بن عجلان اخباری و میمون بن هارون کاتب (همو، ۱۱۱؛ ابن خلکان، ۳۹۵/۶؛ ذهبی، ۱۶/۱۲؛ یافعی، ۱۴۷/۲).

ابن سکیت شعر نیز می‌سرود، ذهبی شعر او را ستوده است (۱۸/۱۲). حدود ۲۰ بیت از اشعار وی در آثار ابوحیان توحیدی (۳۹/۳)، خطیب بغدادی (۲۷۴/۱۴)، شمشاطی (۵۱/۲)، ابن خلکان (۳۹۹-۳۹۷/۶)، ابن شاکر (۲۹۲/۱) و ابوحیان غرناطی (۱۰۲) برجای مانده است. هنگامی که ابن سکیت به سامرا رفته بود، در آنجا مورد توجه عبدالله بن یحیی بن خاقان قرار گرفت. چون عبدالله متوکل را از مقام علمی وی آگاه کرد، خلیفه او را به کار تعلیم و تربیت فرزندان معزز و مؤید گماشت (خطیب بغدادی، همانجا) و وی با آنکه برخی او را از رفتن به دربار متوکل برحذر داشتند (نک: یاقوت، ۵۰/۲۰؛ سیوطی، ۳۴۹/۲)، و به رغم تعصب شدید که در تشیع به او نسبت می‌دهند، مدتی را در دربار متوکل گذراند و به گفته ذهبی (۱۷/۱۲) ماهیانه ۲۰۰۰۰ درهم دریافت می‌کرد و افزون بر آن گاه از پادشاهای گرانمایی نیز بهره‌مند می‌شد، چنانکه در مجلسی خلیفه

الامثال (یاقوت، همانجا)؛ ۶. الانساب (بغدادی، ۵۳۷)؛ ۷. الانواع (GAS, VII/347)؛ ۸. الايام والالیالی؛ ۹. البیان (حاجی خلیفه، ۲۶۴)؛ ۱۰. التصغیر (GAS, IX/138)؛ ۱۱. التوسعة فی کلام العرب (حاجی خلیفه، ۵۰۷، ۱۴۰۶)؛ ۱۲. خلق الانسان (ابن خیر، ۳۸۲)؛ ۱۳. الدعاء (GAS, VIII/135)؛ ۱۴. الزبرج (ابن ندیم، ۷۲-۷۳؛ یاقوت، همانجا)؛ ۱۵. السرج واللجام (ابن ندیم، همانجا)؛ ۱۶. سرقات الشعرا و ماواردوا علیه (یاقوت، همانجا)؛ ۱۷. الطرق (ابن ندیم، همانجا)؛ ۱۸. الطیر (نجاشی، همانجا)؛ ۱۹. قَعْلٌ وَأَفْعَلٌ (ابن ندیم، یاقوت، همانجاها)؛ ۲۰. المثنی والمینی والمکئی؛ ۲۱. المذکر والمؤنث (ابن ندیم، همانجا)؛ ۲۲. معانی الابیات (ابن خیر، همانجا)؛ ۲۳. معانی الشعر الکبیر؛ ۲۴. معانی الشعر الصغیر؛ ۲۵. النبات والشجر (یاقوت، همانجا)؛ ۲۶. النوادر (ابن ندیم، همانجا)؛ ۲۷. الوحوش؛ ۲۸. الحشرات (ابن ندیم، یاقوت، همانجاها)؛ ۲۹. ماجاء فی الشعر وما حُرِّفَ عن جهته (قفطی، ۵۶/۴).

مأخذ: آستان قدس، فهرست؛ ابن ابیاری، عبدالرحمن بن محمد، نزهة الایام، به کوشش ابراهیم سامرای، بغداد، ۱۹۵۹ م؛ ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، به کوشش مهدی حسینی لاجوردی، قم، المطبعة العلمية؛ ابن تفری بردی، النجوم؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، نزهة الاعین النواظر، به کوشش مهر النساء، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م؛ ابن خلکان، وفیات؛ ابن خیر، محمد، فهرست، به کوشش فرانسیسکو کوردا، بغداد، ۱۸۹۳ م؛ ابن زبیر، رشید، الذخایر والتحف، به کوشش محمد حمیدالله، کویت، ۱۹۵۹ م؛ ابن سید، المحکم والمحیط الاعظم، به کوشش مصطفی سقا و حسین نصار، قاهره، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۸ م؛ ابن شاکر کتبی، محمد، فوات الوفيات، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۳ م؛ ابن ندیم، الفهرست، به کوشش فلرگلر، هاله، ۱۸۷۲ م؛ ابو حیان توحیدی، الامتاع المؤانسة، به کوشش احمد امین واحمد زین، قاهره، ۱۹۳۹ م؛ ابو حیان غرناطی، محمد بن یوسف، تذکرة النحاة، به کوشش عقیف عبدالرحمن، بیروت، ۱۲۰۶ ق / ۱۹۸۶ م؛ ابوطیب لغوی، عبدالواحد بن علی، مراتب النحویین، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۵ ق؛ ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ بغدادی، عبدالقادر بن عمر، خزائن الادب، بیروت، دارصادر، بلاشر، رزی، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرنوش، تهران، ۱۳۶۳ ق؛ بهبهانی، محمدباقر، تعلیقات علی منہج المقال، به کوشش محمدصادق حسینی خوانساری، قم، ۱۳۰۶ ق؛ حاجی خلیفه، کشف؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی؛ خویی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث، نجف، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعب ارتونوط و صالح السمر، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۲ م؛ زبیدی، محمد بن حسن، طبقات النحویین و اللغویین، به کوشش ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۷۳ م؛ زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربية، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دارالهلال؛ سیرافی، حسن بن عبدالله، اخبار النحویین والبصریین، به کوشش فریث کرنکو، بیروت، ۱۹۶۳ م؛ سیوطی، بغیة الوعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م؛ شمشاطی، علی بن محمد، الانوار ومحاسن الانتصار، به کوشش محمد یوسف، کویت، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۸ م؛ صدر، حسن، تأسیس النبیعة، عراق، ۱۳۵۴ ق؛ علامه حلی، ایضاح الاشیاء، چاپ سنگی، ۱۳۱۹ ق؛ فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، بیروت، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ قفطی، علی بن یوسف، انباء الرواة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م؛ قمی، عباس، الکنی والالقباب، تهران، ۱۳۹۷ ق؛ مجلسی، محمدباقر، الوجیزه، تهران، ۱۳۱۱ ق؛ نجاشی، ابوالعباس بن احمد، الرجال، به کوشش علی معلانی جازری، بیمنی، ۱۳۱۷ ق؛ یاقوتی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، بیروت، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م؛ یاقوت، ادیب؛ یغموری، یوسف بن احمد، نورالقیس، وسان، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ نیز:

EF; GAS

عبادت الله فاتحی نژاد

از قبیل: الفنی و الخصب، الفقر و الجذب، الجماعة، الکتاب و جز آنها. ابن قتیبه بیشتر این فصول را در کتاب ادب الکاتب خود بدون اشاره به اثر و نام ابن سکیت آورده است. این کتاب در بیروت با عنوان تهذیب الالفاظ به همراه اضافاتی از نسخه های گوناگون (۱۸۹۸-۱۸۹۶ م) به چاپ رسیده است. نام دیگر این کتاب کنز الحفاظ است و گویا با کتابی که ازهری (۲۳/۱) آن را به همین نام و در ۳۰ جلد معرفی کرده، یکی نیست. مختصر تهذیب الالفاظ نیز با تعلیقاتی از شیخو در ۱۸۹۷ م در بیروت به چاپ رسیده است. ۴. القلب والابدال، این کتاب در ۱۹۰۳ م به کوشش اگوست هافتر در بیروت و در ۱۹۰۵ م در لایپزیک در مجموعه ای به نام کنز اللغوی فی اللسن العربی و نیز در ۱۹۷۸ م با عنوان الابدال به کوشش محمد شرف در قاهره به چاپ رسیده است.

۵. شرح دیوان الحطیة، نخستین بار در ۱۹۵۸ م در قاهره منتشر شد و بار دیگر در ۱۹۸۷ م به کوشش نعمان محمد امین طه به چاپ رسید.

۶. شرح دیوان الخنساء، در بیروت (۱۸۹۶ م) به کوشش لوئیس شیخو به چاپ رسیده است.

۷. دیوان طرفة بن عید به روایت ابن سکیت، به کوشش احمد بن امین شنفیطی در قازان (۱۹۰۹ م) چاپ شده است.

۸. شرح دیوان عروة بن ورد، این کتاب نخستین بار در ۱۹۲۳ م ضمن مجموعه ای شامل ۵ دیوان در قاهره و بار دیگر به کوشش عبدالمعین الملوچی در دمشق به چاپ رسیده است.

۹. شرح دیوان قیس بن خطیم، به کوشش کووالسکی در لایپزیک (۱۹۱۴ م) به چاپ رسیده است.

۱۰. شرح دیوان مزرد، به کوشش خلیل ابراهیم عطیة در بغداد (۱۹۶۲ م) چاپ و منتشر شده است.

۱۱. شرح دیوان نایفة ذبیانی نخستین بار (۱۹۶۸ م) به کوشش شکری فیصل در بیروت و نیز به کوشش محمد طاهر بن عاشور در تونس (۱۹۷۶ م) به چاپ رسیده است.

قسمتی از کتاب المثنی و المکئی نیز با نام کتاب الحروف التي يتکلم بها فی غیر موضعها، به کوشش عبدتواب در قاهره (۱۹۶۹ م) به چاپ رسیده است.

آثار خطی: ۱. البحث، سه نسخه از آن در دارالکتب (قاهره) و یک نسخه دیگر در کتابخانه تیموریه موجود است (نک: GAS, VIII/132)؛ ۲. المقصور والممدود، نسخه ای از آن در کتابخانه عارف حکمت در مدینه به کتابت ابویوسف موجود است که صحت انتساب آن به ابن سکیت دقیقاً روشن نیست (نک: GAS, IX/137)؛ ۳. منطق الطیر و منطق الریاحین، نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (آستان، ۸۶۴/۷).

آثار منسوب: ۱. الابل؛ ۲. الاجناس الکبیر (یاقوت، ۵۲/۲۰)؛ ۳. الارضین والجبال والادویة؛ ۴. الاصوات (نجاشی، ۳۱۳)؛ ۵.